

پادشاه جنگل



مشخصات کتاب

نام کتاب:	پادشاه جنگل
نویسنده:	آرزو
مترجم:	نصیر احمد احمدی
کتگوری سنی:	دوم
نقاش:	محمد محمدی
طراحی، دیزاین و چاپ:	شرکت کاپل گروپ
ناشر:	موسسه بین المللی حمایه اطفال در افغانستان

کمیته ارزیابی و ویرایش:

بہیراللہ ویار مشاور ملی تعلیم و تربیہ موسسہ بین المللی حمایہ اطفال
حلیمہ ہزارہ دیبا شاعر و نویسنده ادبیات کودک
سرمؤلف سید میر نقیب اللہ سیدزادہ عضو علمی ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی وزارت معارف
علم گل سحر نویسنده و شاعر
محمد فاضل شریفی پژوهشگر ادبیات کودک و عضو اکادمی علوم افغانستان
مینا زمانی مدیر مسئول مجله تربیت وزارت معارف ویژہ کودکان و نوجوانان
مینہ ابراہیم خیل مسئول مرکز مطبوعات وزارت اطلاعات و فرهنگ
نعیمہ غنی نویسنده ادبیات کودک

تعداد چاپ: ۴۵۹۳ جلد
سال چاپ: ۱۳۹۵ هـ شمسـی - ۲۰۱۶ میلادی

کودکان عزیز!

کتاب خوانی یک سرگرمی و یک عادت بسیار خوب است که باعث پیشرفت متداوم در انسان ها میشود. بر علاوه، کتاب خواندن یک بخش بسیار مهم زندگی انسان ها را تشکیل میدهد و خواندن کتاب ها ما را در مورد جایها، واقعیت ها، انسانهای مختلف و زندگی و فرهنگ آنها بدون اینکه آنها را دیده باشیم می آموزاند. کتاب خواندن دنیای ما را وسعت میدهد و امکانات و فرصت های بی پایانی را در مقابل ما قرار میدهد.

برای اینکه شما بتوانید به کتاب های بیشتر دسترسی داشته باشید، موسسه حمایه اطفال هشتاد عنوان کتاب داستان و شعر را برای شما تهیه کرده است. من امیدوار هستم این کتاب ها برای شما جالب و خواندنی باشند و به شما بیاموزانند تا همدیگر و اطرافیان تان را دوست بدارید.

من میخواهم یاد آوری کنم که تهیه این کتاب ها، بدون همکاری های فراوان و مشارکت تعداد زیادی از نویسندگان و شعرای افغان از سر تا سر دنیا ممکن نبود. شعرا و نویسندگان افغان زحمات زیادی را متحمل شده اند تا بتوانند این هشتاد عنوان کتاب را برای شما آماده بسازند. ما امیدوار هستیم شما این کتاب ها را در خانه ها، مکاتب و جوامع تان در اختیار خود داشته باشید و از خواندن این کتاب ها لذت ببرید.

از کتاب های تان محافظت کنید و آنها را با دوستان، خواهران و برادران خود شریک سازید.

برای تان لحظات خوش و پر از مطالعه آرزو میکنم.

انا ماریا لوکسین

رئیس موسسه بین المللی حمایه اطفال در افغانستان

در زمان های قدیم یک شیر در یک جنگل زنده گی می کرد که بسیار عصبانی بود. خانه شیر در گوشه از جنگل که به قریه نزدیک بود، قرار داشت. شیر همیشه در جنگل بود و خود را پادشاه جنگل می دانست. حیوانات دیگر هم از او می ترسیدند و هر امر شیر را قبول می کردند.



حیوانات مجبور بودند که همه روزه بخشی از شکار روزانه خود را برای شیر بیاورند. شیر بدون هیچ زحمتی، حتی برای شکار هم از خانه اش بیرون نمی شد و با چوپه گک خود زنده گی راحتی داشت.



تمامی حیوانات از این کار خسته شده بودند؛ اما چاره دیگری نداشتند، آنها از شیر می ترسیدند. روزها و ماه ها گذشت. یک روز بچه گگ موش خرما مریض شد. او تب سختی داشت. موش خرما مجبور بود که تمامی روز در خانه باشد و از بچه گگ خود پرستاری کند.



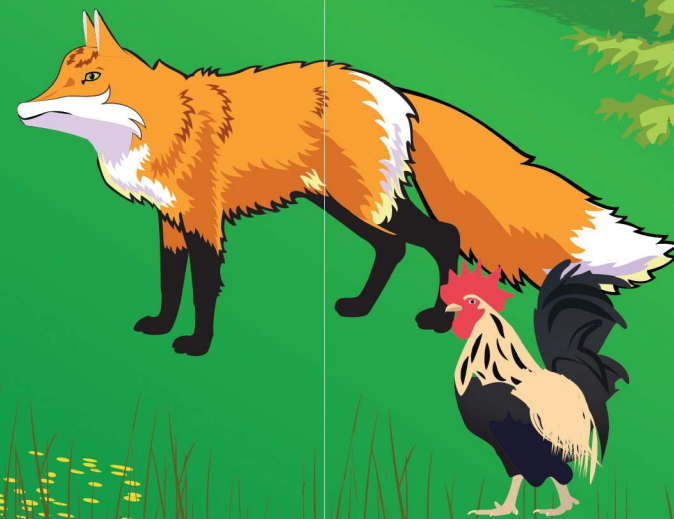
در این جنگل یک روباه هم زنده گی می کرد. وظیفه روباه جمع آوری غذاهایی بود که حیوانات جنگل برای شیر می آوردند. روباه هر روز نام های حیوانات را که می گرفت، آن حیوان به نوبت خود، بخشی از شکار خود را برای شیر می آوردند.



آن روز روباه چند بار نام موش خرما را در بین نام های حیواناتی که باید برای شیر غذا می آوردند، گرفت؛ اما موش خرما حاضر نبود. شیر که این حالت را دید، بسیار عصبانی شد و تصمیم گرفت که به موش خرما جزای سختی بدهد.



شب گذشت، با طلوع آفتاب شیر به روباه دستور داد که هر چه زودتر موش خرما را پیدا کرده و نزد او بیاورد. روباه این کار را به خروس سپرد. خروس دویده دویده به خانه موش خرما رفت، با نول تیز و زرد خود دروازه را تک تک کرد. وقتی که موش خرما بیرون آمد، خروس او را از عصبانیت شیر با خبر ساخت و گفت که شیر می خواهد او را ببیند.



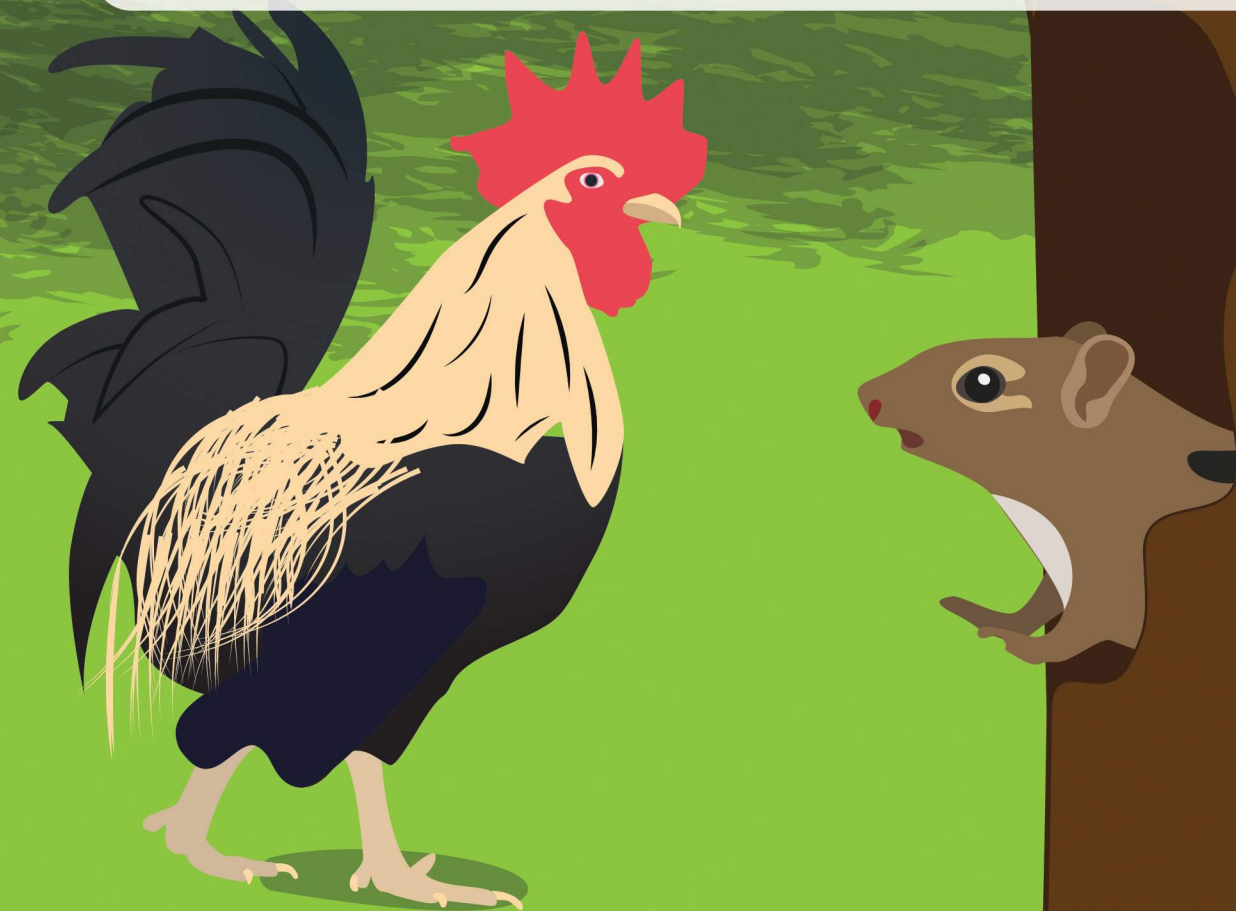
خروس دلش به حال موش خرما سوخت، قبول کرد، نزد شیر رفت و همهٔ قصه را به او گفت. اما شیر مغرور بسیار عصبانی شد، مار و لک لک را فرستاد تا موش خرما را پیشش حاضر کنند.



موش خرما که بسیار ترسیده بود به وارخطایی گفت: چوچه گکم مریض بود، در تب می سوخت، من دیروز برای شکار بیرون نرفته بودم؛ حتی خود ما هم چیزی برای خوردن نداشتیم.


خروس گفت: به من مربوط نیست، پادشاه جنگل تو را خواسته و تو باید با من پیش او بیایی!

موش خرما با دلی شکسته و غمگین گفت: خیر است! به پادشاه جنگل تعریف کن که چرا دیروز برایش غذا آورده نتوانستم. به او بگو که مرا ببخشد.



مدتی نگذشت که موش خرما آمد، دُم دراز او از ترس می لرزید.
شیر امر کرد که موش خرما را در قفس بندی کنند!
موش خرما عذر و زاری می کرد و می گفت که بچه گکم مریض بود، تب داشت، او
را تنها گذاشته نمی توانستم... اما شیر مغرور گپ های موش خرما را قبول نکرد.





وقتی که شیر و روباه مصروف جمع آوری غذا از حیوانات بودند، غچی آمد، او که خبر رسانک شیر بود در شاخچه درخت نشست. به شیر سلام داد و گفت که در جنگل یک مریضی نو پیدا شده و چوجه های حیوانات مریض شدند.

شیر با بی پروایی گفت: به من مربوط نیست.

اما غچی گفت که چوجه شیر هم مریض شده است، تب دارد و بی قرار است.

ناگهان پاهای شیر لرزید و به دویدن شروع کرد...

شیر به سرعت می دوید، او می خواست تا هر چه زود تر به خانه برسد و از حال
و وضع چوچه گک خود باخبر شود.
وقتی به کنار جنگل رسید، دید که سیل آمده و پلی را که بالای دریا قرار داشت،
برده است. شیر می دید که سیل خروشان تا نزدیکی خانه او روان است.



شیر می‌گرید و به هر طرف می‌دوید؛ ما نتوانست از آب بگذرد. شیر بسیار خسته و درمانده در کنار دریا ایستاده بود و در مورد چوچه‌گک خود فکر می‌کرد که ناگهان موش خرما و چوچه‌اش به یادش آمدند.



شیر پشیمان شد، با روشنایی صبح صدای غچ غچ غچی را شنید، شیر به
غچی گفت: هله! به روباه بگو که موش خرما را از قفس آزاد کند تا نزد بچه
گک خود برگردد.



با گذشت زمان سطح آب پایین شد، شیر دوان دوان به خانه خود رفت، به چوچه
گگ خود دوا داد. مدتی نه گذشت که تب چوچه گگ پایین آمد و به خواب رفت.



شیر تصمیم گرفت که بعد از آن بالای حیوانات جنگل ظلم نکند. حالا شیر غذای خود و بچه گکش را خودش پیدا می کند. حیوانات جنگل هم خوش هستند.



یاد آوری

این کتاب یکی از ۸۰ عنوان کتاب است که از طریق پروژه "بیاید برای اطفال افغان بنویسیم" تهیه و به چاپ رسیده است. پروژه "بیاید برای اطفال افغان بنویسیم" به هدف ترویج فرهنگ مطالعه بین اطفال افغان و همچنان بلند بردن مهارت های خواندن آنان از طریق مطالعه داستان ها و شعر های جالب کودکانه به راه انداخته شده است. کتاب های تهیه شده توسط این پروژه در چهار کتگوری سنی بطور ذیل تقسیم گردیده اند:

کتگوری اول: کودکان ۴ الی ۶ سال (دوره تعلیمات قبل از مکتب)

کتگوری دوم: کودکان ۷ و ۸ سال (شاگردان صنف اول و دوم)

کتگوری سوم: کودکان ۹ و ۱۰ سال (شاگردان صنف سوم و چهارم)

کتگوری چهارم: کودکان ۱۱ و ۱۲ سال (شاگردان صنف پنجم و ششم)

شایان ذکر است که از جمله ۸۰ عنوان کتاب قصه و شعر، به تعداد ۵۰ عنوان آن توسط نویسندگان افغان در داخل و بیرون کشور، ۲۰ عنوان توسط معلمین و ۱۰ عنوان هم توسط شاگردان نوشته شده اند. آثار معلمین و شاگردان مکاتب کشور به اساس یک رقابت که از سوی مؤسسه بین المللی حمایه اطفال به راه انداخته شده بود، گرد آوردی و از میان آنها ۳۰ اثر برتر، توسط کمیته ارزیابی و ویرایش که در آن نماینده گان با صلاحیت وزارت های محترم معارف ، اطلاعات و فرهنگ، پژوهشگران، نویسندگان افغان و کارشناسان مؤسسه بین المللی حمایه اطفال حضور داشتند برای چاپ برگزیده شده اند.



www.afghanistan.savethechildren.net
www.facebook.com/savethechildreninafghanistan
www.YouTube/savethechildreninafghanistan